



قواعد عمومی قرار های تامین کیفری در نظام کیفری ایران

امیر پوستچی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

Gmail: amirpoostchii@gmail.com

چکیده:

فراهم شدن مقدمات یک دادرسی منصفانه مستلزم این است که یک سری ابزار و تمهیداتی وجود داشته باشد که از طریق آنها بتوان در موارد لزوم به متهم دسترسی داشت و اختلالی در روند دادرسی ایجاد نگردد. این تمهیدات همان قرارهای تامین کیفری می باشند. (نصرتی، ۱۳۹۷)

تأمین کیفری قیدی است محدود کننده آزادی که مطابق ترتیبات قانونی و برای امکان دسترسی به متهم، درباره وی اعمال می شود. اخذ تامین اولین اقدام رسمی است که پس از بازجویی از جانب مقام قضایی صورت می گیرد. مطابق ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن و یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام بدوی یکی از قرارهای تأمین کیفری را صادر نماید. اخذ تأمین از متهم از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ از یک سو اصل برائت ایجاد می کند که تا تعیین تکلیف قطعی اتهام وارده به شهروندان هیچ گونه محدودیتی نسبت به اموال یا آزادی آنان وارد نشود (شیخی، ۱۳۹۹) از سوی دیگر ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار و تبانی و به ویژه جلوگیری از تضییع حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرم و ... نیازمند این است که در پاره ای از موارد قبل از اعلام نظر قطعی قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیتها و تعهداتی برای او یا سایر افراد فراهم شود. انجام تحقیقات کافی و تحصیل دلیل و محاکمه ی متهم که کلیه تضمینات لازم را برای دفاع از متهم در بر داشته باشد محتاج صرف زمان است. بیم فرار متهم، امحاء آثار و ادله جرم و... دستگاه عدالت کیفری را به تاسیس نهادی تحت عنوان قرار تامین کیفری، ناچار میکند که نتیجه ی اجتناب ناپذیر آن توقیف بعضی متهمان است. در واقع به ناچار در مرحله ی پیش از اثبات اتهام، اصل برائت در مورد این متهمان نادیده انگاشته میشود.

صدور قرارهای تأمین کیفری یکی از مهمترین و حساس ترین مراحل دادرسی کیفری است که در مرحله تحقیقات مقدماتی از سوی مقام قضایی صادر می شود. قرار تأمین کیفری از انواع قرارهای اعدادی است (شیخی، ۱۳۹۹) که در جهت به کیفر رساندن متهم صادر میگردد. قرارهای تأمین کیفری انواع مختلفی دارند که استفاده هر یک از آنها در مورد متهم در اختیار بازپرس یا دادیاری است که تحقیق را بر عهده دارد با این حال مرجع تحقیق در انتخاب نوع قرار تامین، اختیار نامحدود نداشته و ملزم به رعایت اصل تناسب تأمین است بدین معنا که قرار تأمین باید با نوع و اهمیت جرم، دلایل و اسباب اتهام احتمال فرار و مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنسیت شخصیت و حیثیت او متناسب باشد. (شیخی، ۱۳۹۹) بدیهی است قرار تامین کیفری متناسب نقش بسزایی در حفظ حقوق شهروندی متهم دارد که در نوشتار حاضر به موضوع فوق پرداخته می شود.

هدف و مسئله ی اصلی پژوهش:

هدف و مسئله ی اصلی پژوهش پیش رو این است که به بررسی و تحلیل شرایط و معیارهای لازم جهت صدور قرار تامین کیفری و هدف از صدور آن پرداخته ضمن اینکه علاوه بر بیان مدت اعتبار و خاتمه قرار های تامین، به تحلیل مواردی که در قانون تحت عنوان اصل تناسب برای صدور این نوع از قرار ها آمده است بپردازیم و قواعد عمومی و مشترک تمامی موارد قرار های تامین کیفری در ماده ۲۱۷ ق.آ.دک را شرح دهیم.

روش پژوهش: مطالعات کتابخانه ای و تحلیلی توصیفی میباشد.

واژگان کلیدی: قرار تامین کیفری، اصل تناسب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی عادلانه، تضمین حقوق بزه دیده و متهم

مقدمه:

یکی از اهداف اصلی نظامهای عدالت کیفری چندان که بدین نام هم موسوم است، اجرای عدالت در جامعه می باشد؛ یعنی، انجام یک دادرسی عادلانه و در نهایت متنبه نمودن مرتکب و متقابلاً تسکین آلام بزه دیدگان جرم. از این جهت حضور متهم تا پایان دادرسی و تسلط دستگاه عدالت به او امری ضروری است؛ لذا مقام تحقیق باید احتمال فرار متهم از اجرای عدالت را ارزیابی نموده و بر اساس آن مبادرت به اتخاذ تصمیم مناسب نماید.

با صدور قرار تامین کیفری برای متهم چه به عنوان ضرورت تحقیق پیرامون جرم ارتكابی و چه به منزله اقدامی تأمینی از وقوع جرم یا جرایم دیگر در جامعه، پیشگیری به عمل آمده و امنیت اجتماعی و فردی نیز تأمین میگردد. امنیت اجتماعی، از باب جلوگیری از متهم در ارتكاب جرایم دیگر یا دستیابی به هرگونه اقدامی در جهت امحای آثار دلایل و مدارک وقوع بزه، از جمله تهدید بزه دیده و بستگان وی و امنیت فردی، از باب پیشگیری از وقوع هر گونه جرمی علیه متهم از سوی بزه دیده یا بستگان وی.

قرار تأمین کیفری یکی از قرارهای تمهیدی است که برای تضمین حضور و دسترسی به متهم در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی رسیدگی و اجرای حکم صادر میگردد. (خالقی، ۱۳۹۶) منظور از قرارهای اعدادی که به آن ها قرارهای مقدماتی یا تمهیدی نیز گفته می شود، قرارهایی است که پرونده را برای اظهارنظر نهایی مقام قضایی آماده می سازند. مانند قرارهای معاینه محل، تحقیقات مقدماتی، جلب نظر کارشناس، استماع شهادت شهود و تأمین کیفری. این نوع قرارها پرونده را برای اظهارنظر نهایی آماده می کنند.

قرارهای تأمین کیفری، تضمین هایی هستند که قانون برای وجود امکان دسترسی به متهم در پرونده های کیفری در نظر گرفته است و با صدور آنها، شرایط فراهم میشود که مقام قضایی بهتر بتواند به پرونده رسیدگی کند. این قرارها را صرفاً مقام قضایی میتواند صادر کند و نیروی انتظامی هیچ اختیاری برای صدور آنها ندارد. هنگامی که در جامعه جرمی واقع میشود به محض اینکه مقامات قضایی از آن مطلع شوند رسیدگی به آن در دادسرا آغاز می شود.

گاه جرم واقع شده به فردی ضرر و زیان وارد میکند و شاکی برای طرح شکایت راهی دادسرا می شود و گاه فردی که از وقوع جرم اطلاع دارد مقامات قضایی را در جریان می گذارد که به این شخص اعلام کننده جرم گفته میشود. در این مرحله انجام تحقیقات بر عهده ی بازپرس قرار دارد، اما او برای اینکه بتواند این تحقیقات را آغاز کند باید ابتدا دادستان پرونده را به او ارجاع دهد پس از آغاز تحقیقات ممکن است بازپرس به فرد یا افرادی به عنوان مجرم مظنون شود. با گسترش تحقیقات انجام شده حلقه شناسایی تنگ تر شده و در نهایت یک نفر به عنوان منهم یا مجرم احتمالی معرفی میشود. با شناسایی متهم وظیفه و مسئولیت بازپرس برای انجام



تحقیقات افزایش می یابد زیرا باید در نهایت مشخص شود که آیا این متهم همان کسی است که جرم را مرتکب شده یا خیر. با توجه به اینکه هنوز حکمی در دادگاه مبنی بر مجرم بودن این فرد صادر نشده است، نمی توان به عنوان مجازات او را بازداشت یا زندانی کرد از طرف دیگر ضرورت دارد که متهم در طول تحقیقات همواره در دسترس باشد تا هر زمان که لازم شد برای پاسخ گویی در دادسرا حاضر شود و امکان دارد در مدت زمانی که آزاد است، فرار کرده و از دسترس مقامات قضایی خارج شود. با توجه به این موضوع، قانون گذار پیش بینی کرده است که در این مواقع بازپرس می تواند قراردایی تحت عنوان قرار تأمین کیفری صادر کند. هدف و مسئله ی اصلی پژوهش پیش رو همانطور که در چکیده به آن اشاره شد، این است که به بررسی و تحلیل شرایط و معیارهای لازم جهت صدور قرار تأمین کیفری و هدف از صدور آن پرداخته ضمن اینکه علاوه بر بیان مدت اعتبار و خاتمه قرار های تأمین، به تحلیل مواردی که در قانون تحت عنوان اصل تناسب برای صدور این نوع از قرار ها آمده است بپردازیم و قواعد عمومی و مشترک تمامی موارد قرار های تأمین کیفری در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک را شرح دهیم.

اهمیت و اهداف موضوع:

در واقع چنین می توان گفت که این قرارها امکان دسترسی به متهم را برای مقامات قضایی تضمین می کنند. از موضوعات مهم و قابل توجه در باب قرارداهای تأمین، تناسب تأمین است. قرار تأمین باید به منظور پیشگیری از نقض حقوق و آزادی های متهم، با اهمیت جرم، شدت مجازات، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم، حفظ جان شاکی و خانواده او، حفظ جان شهود و جلوگیری از عدم ادای شهادت آن ها، پیشینه ی کیفری متهم، وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد. از مواد ۲۱۸، ۲۱۹ و به ویژه ۲۵۰ قانون آ.د.ک نیز صراحتاً چنین بر می آید که رعایت اصل تناسب در صدور قرار تأمین کیفری توسط مقام قضایی ضروری است. البته، لازمه ی رعایت دقیق و کامل این اصل، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت از سوی مقام قضایی مربوطه است. بر این اساس در قرارداهای تأمین کیفری، تناسب تأمین باید رعایت شود. در واقع از تناسب تأمین میتوان به عنوان جلوه ای از «فردی کردن قرارداهای تأمین کیفری» یاد کرد. عدالت می طلبد که قرارداهای تأمین کیفری با شخصیت بزه کار، بزه ارتكابی و ضرر و زیان وارد بر بزه دیده نسبت معقول و منطقی ای داشته باشد.

در همین راستا به عنوان ضمانت اجرای رعایت تناسب تأمین در تبصره ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر شده است که «اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.»

پیشینه:

در کتاب قرارداهای نهایی و تأمین کیفری و نظارت قضایی (مصدق، ۱۳۹۹) به تعریف قرار های تأمین کیفری و قرار های نظارت قضایی و قرار های نهایی و قرار عدم صلاحیت پرداخته است که در پژوهش پیش رو فقط به بررسی شرایط و اهداف و قواعد عمومی قرارداهای

۱ - ماده ۲۵۰ مقرر میدارد: قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه بوده، با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

۲ - منظور از تشکیل پرونده شخصیت یعنی لحاظ شخصیت مرتکب جرم در فرایند عدالت کیفری به منظور متناسب کردن پاسخ کیفری با نیازهای روانی جسمانی و اجتماعی او است. به عبارت دیگر، تشکیل پرونده شخصیت بزهکار یعنی در گذشتن از جنبه های صرف حقوقی بزه برای لحاظ جنبه های انسانی جرم با مطالعه گذشته خانوادگی تحصیلی حرفه ای، روانی جسمانی مرتکب، آن انگیزه ارتکاب جرم رابطه بزهکار با بزه دیده شرکاء یا معاونان احتمالی اقدامهای مجرم پس از ارتکاب جرم نسبت به بزه دیده حالت عمومی بزهکار پس از وقوع جرم



تامین کیفری پرداخته میشود. در کتاب قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه (الهی منش، ۱۳۹۱) به بررسی تطبیقی قرار بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه پرداخته است که در پژوهش پیش رو به بررسی قواعد عمومی صدور تمام قرارهای تامین کیفری پرداخته میشود. در کتاب آیین دادرسی کیفری کاربردی «قرار» (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵) به بررسی قرارهای مقدماتی شکلی و ماهوی و قرارهای نهایی شکلی و ماهوی پرداخته است که در پژوهش پیش رو فقط به بررسی قرارهای تامین کیفری پرداخته میشود. در مقاله ای نیز مانند مقاله (تناسب قرارهای تامین کیفری و حفظ حقوق شهروندی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری، (شیخی، ۱۳۹۹) به بررسی حقوق شهروندی نیز پرداخته است که در پژوهش پیش رو به این امر پرداخته نمیشود.

ساختار پژوهش:

پژوهش پیش رو به دو بخش تقسیم میشود که در بخش اول به بررسی و تحلیل شرایط و اهداف صدور قرارهای تامین کیفری و قواعد عمومی آنها خواهیم پرداخت و در بخش دوم به بررسی و بیان ویژگی های مشترک قرارهای تامین کیفری خواهیم پرداخت.

بخش اول: قواعد عمومی و شرایط صدور قرارهای تامین کیفری

از موضوعات مهم و قابل توجه در باب قرارهای تامین، تناسب تامین است. قرار تامین باید به منظور پیشگیری از نقض حقوق و آزادی های متهم، با اهمیت جرم، شدت مجازات، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم، حفظ جان شاکی و خانواده او، حفظ جان شهود و جلوگیری از عدم ادای شهادت آنها، پیشینه کیفری متهم، وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد. از مواد ۲۱۸، ۲۱۹ و به ویژه ۲۵۰ قانون آ.د.ک نیز صراحتاً چنین بر می آید که رعایت اصل تناسب در صدور قرار تامین کیفری توسط مقام قضایی ضروری است. البته، لازمه رعایت دقیق و کامل این اصل، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت از سوی مقام قضایی مربوطه است. بر این اساس در قرارهای تامین کیفری، تناسب تامین باید رعایت شود. در واقع از تناسب تامین میتوان به عنوان جلوه ای از «فردی کردن قرارهای تامین کیفری» یاد کرد. عدالت می طلبد که قرارهای تامین کیفری با شخصیت بزه کار، بزه ارتكابی و ضرر و زیان وارد بر بزه دیده نسبت معقول و منطقی ای داشته باشد.

در همین راستا به عنوان ضمانت اجرای رعایت تناسب تامین در تبصره ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر شده است که «اخذ تامین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.»

در صورت احراز وقوع بزه، انتساب آن به متهم و محرز بودن مسؤولیت کیفری وی، بازپرس مکلف به صدور قرار تامین کیفری است. در این مرحله، تطبیق نوع قرار تامین و میزان وجه التزام، وجه الكفاله، وجه الوثاقه یا وجه الضمان موضوع هر یک از قرارهای التزام، کفالت و وثیقه با بزه موضوع پرونده و شخصیت متهم، از تکالیف مهم بازپرس است؛ لیکن او در انتخاب نوع تامین از آزادی مطلق برخوردار نیست (مصدق، ۱۳۹۹) و مکلف به رعایت ضوابط و معیارهای قانونی است.^۲

^۱ - ماده ۲۵۰ مقرر میدارد: قرار تامین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه بوده، با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

^۲ - نظریه ی مشورتی شماره ۷/۹۷/۲۷۳۲ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۲ اداره حقوقی قوه ی قضاییه: «تشخیص «زمان تخفیف قرارهای تامین کیفری» و اقدام لازم در این خصوص از قبیل فک یا عدم فک قرار و تبدیل نوع یا تخفیف میزان آن با لحاظ تبصره ۲ ماده ۲۴۴ و ماده ۲۴۶ و احکام و ضوابط ناظر به «اصل تناسب تامین» (ماده ی ۲۵۰) و محتوای پرونده و کیفیت ادله، با مقام قضایی ذیربط است.»



اختیار بازپرس در انتخاب یکی از قرارهای تأمین کیفری، تنها در محدوده‌ی قانون است؛ برای مثال تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

«در جرایم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست». (مصدق، ۱۳۹۹)

با توجه به این ماده، شرایط صدور و تناسب قرارهای تأمین کیفری را میتوان به شرح آتی برشمرد:

۱_۱ معیارهای ناظر بر جرم و مجازات

این معیارها خود به چند دسته تقسیم میشوند که در ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، بیان شده‌اند که در زیر به آنها پرداخته میشود.

الف) نوع جرم

ضابطه‌ی نوع جرم برای نخستین بار در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به عنوان یکی از ضوابط عام تعیین شده است. در ماده ۱۳۰ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ و در ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ اشاره‌ای به «نوع جرم» به عنوان یکی از ضوابط عام نشده بود. (کوشکی، ۱۴۰۰)

اقدام قانون گذار مبنی بر اختصاص «نوع جرم» به عنوان یکی از ضوابط عام، قابل پذیرش است. چرا که در قوانین کیفری دسته بندی‌های گوناگونی از نوع جرم به عمل می‌آید که در تناسب تأمین مؤثر است. برای نمونه براساس ماده ۱۴ ق.م.ا ۱۳۹۲، مجازاتها و در نتیجه جرایم به چهار دسته‌ی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده‌اند. روشن است که قرارهای تأمین اختصاص یافته به حدود با تعزیرات متفاوت است. از سوی دیگر، جرایم از حیث عنصر معنوی به دو دسته‌ی عمدی و غیر عمدی تقسیم می‌شوند. جرایم عمدی از جرایم غیر عمدی شدیدتراند. این موضوع باید در صدور قرار تأمین کیفری مورد توجه قرار بگیرد.

ب) اهمیت جرم

اهمیت جرم با نوع جرم که در بند پیشین به آن اشاره شد متفاوت است. افکار عمومی و مردم، در قبال ارتکاب جرم واکنش متناسب از خود بروز می‌دهند، ارتکاب برخی جرایم به گونه‌ای است که احساسات و عواطف عمومی جریحه‌دار میشود. برای نمونه موارد اسیدپاشی‌ای که در جامعه رخ میدهد و یا تجاوزهایی که به کودکان و نوجوانان صورت میگیرد، از اهمیت خاصی در جامعه برخوردار است. (کوشکی، ۱۴۰۰)

مقام قضایی باید در صدور قرار تأمین کیفری به این موضوع توجه داشته باشد. ممکن است برخی جرایم مجازات یکسانی داشته باشند اما پیامدهای آنها در جامعه متفاوت باشد. تفاوت دیدگاه جامعه باید به نوعی در صدور قرار تأمین، آشکار شود. از سوی دیگر در روبه قضایی مشاهده میشود که گاهی نوعی خاص از جرایم در نقاط و شهرهای خاصی شیوع و فراوانی بیشتری داشته باشند در این گونه موارد، دادسرا برای تأمین امنیت در این دسته از جرایم قرارهای شدیدتری صادر میکنند.

ج) ادله و اسباب اتهام

همان گونه که در تحلیل ماده ۲۱۷ قانون یاد شده بیان شد صدور قرار منوط به وجود و احراز «دلایل کافی» است با این حال وزن همه‌ی ادله‌ی تحصیل شده به یک میزان نیست. هرچه ادله‌ی بیشتر و متقن تری علیه متهم وجود داشته باشد قرارهای تأمین سنگین تری صادر میشود. بنابراین مقام قضایی باید به ادله و نقش آنها در سرنوشت پرونده کیفری توجه لازم را داشته باشد. (کوشکی، ۱۴۰۰)

ممکن است کسی متهم به قتل عمد باشد اما ادله‌ی مستحکمی علیه او وجود نداشته باشد، در اینجا ضرورتی به صدور قرار بازداشت موقت نیست، ممکن است، حسب مورد قرار کفالت یا وثیقه صادر شود.



د) شدت مجازات

شدت مجازات یکی از معیارها و ضوابط اصلی تناسب تأمین است. در بیشتر موارد، مقام های قضایی در انتخاب نوع و مبلغ قرار به این معیار توجه می کنند.

برای نمونه تعزیرات حسب تصریح ماده ۱۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ بر اساس شدت و ضعف به هشت درجه تقسیم شده است. بدیهی است با توجه به اشاره بند «ب» ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در خصوص جرایم تعزیری در جه چهار و بالاتر در صورت وجود شرایط قانونی، بازداشت موقت صادر میشود. بنابراین در خصوص تعزیرات درجه پنج تا هشت امکان صدور سایر قرارهای تأمین کیفری وجود دارد. (کوشکی، ۱۴۰۰)

در خصوص قصاص نفس و قصاص عضو (مشروط بر این که میزان دیه ثلث و یا بیش از آن باشد بنا بر تصریح بند (الف) ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲) در صورت حصول شرایط قانونی بازداشت موقت صادر می شود و برای موارد خارج از آن حسب مورد سایر قرارهای تأمین کیفری صادر میشود.

در خصوص مجازات حبس، در صورتی که مشمول صدور قرار بازداشت موقت قرار نگیرد، رویه قضایی از معیارهای پیش بینی شده در ماده ۲۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ (جزای نقدی بدل از حبس) استفاده می کند براساس مصوبه هیأت وزیران ادر تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۶، مبلغ جزای نقدی بدل از حبس یک میلیون ریال تعدیل شد در این خصوص رویه قضایی مبلغ هر روز حبس را به صد هزار تومان تبدیل کرده و برای قرارهای مالی از قبیل کفالت و وثیقه از این ضابطه استفاده می کند. برای نمونه چنان چه مدت حبس یک سال باشد، عدد ۳۶۵ روز را در ۱۰۰ هزار تومان ضرب کرده و حاصل آن (۳۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) را به عنوان مبلغ قرار تأمین می کنند. در خصوص جزای نقدی از این بابت مشکلی وجود ندارد، زیرا مبلغ تعیین شده در قانون به عنوان یکی از بخش های قرار تأمین احتساب می شود. (کوشکی، ۱۴۰۰)

۱_۲ معیارهای ناظر بر متهم

دسته ای دیگر از ضوابط عام ناظر بر متهم است. شخصیت متهم و سابقه ای او معیار مؤثری برای رعایت تناسب تأمین است. در ادامه مهمترین معیارهای ناظر بر متهم بیان میشود. (کوشکی، ۱۴۰۰)

الف) احتمال فرار یا مخفی شدن

تأمین کیفری باید به گونه ای باشد که از فرار یا مخفی شدن متهم جلوگیری کند. مقام قضایی مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که به اندازه ای تأمین برای متهم مهم باشد که او را از فرار یا مخفی شدن باز دارد. البته ضابطه ای یاد شده هیچگونه معیاری ملموس و قابل ارزیابی ندارد و بستگی به شرایط و اوضاع و احوال پرونده و نظر مقام قضایی دارد.

ب) جلوگیری از بین رفتن آثار جرم

قرارهای تأمین کیفری باید به گونه ای باشند که متهم نتواند آثار و بقایای جرم را از بین ببرد. در بیشتر موارد از بین بردن آثار جرم در ساعت و روزهای نخستین پس از وقوع جرم صورت می گیرد. هر اندازه احتمال از بین بردن آثار جرم توسط متهم بیشتر باشد، قرار تأمین صادر باید شدیدتر باشد. احراز این موضوع بستگی به برداشت مقام قضایی و شرایط و اوضاع و احوال پرونده دارد.

۱ - مصوبه شماره ت ۱۵۰۱۷۹/۰۵۷۰۷۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۶ هیأت وزیران



ج) سابقه‌ی متهم

عبارت «سابقه‌ی متهم» در ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به صورت مطلق به کار رفته است. بدیهی است منظور از سابقه‌ی متهم سابقه‌ی ارتکاب جرم و محکومیت است. به نظر می‌رسد که هر نوع سابقه باید ملاک عمل قرار بگیرد محکومیت مؤثر و غیر مؤثر تأثیری بر موضوع نخواهد گذاشت تنها میتوان گفت که محکومیت مؤثر باید تأثیر بیشتری بگذارد.

د) وضعیت روحی و جسمی

در ماده ۱۳۰ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ از «چگونگی مزاج متهم» و در ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ از «وضعیت مزاج» به عنوان یکی از ضوابط عام تناسب تأمین یاد شده بود. در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ از این ضابطه به نام «وضعیت روحی و جسمی» یاد شده است. به نظر می‌رسد اصطلاح قانون اخیر دقیق تر تنظیم شده باشد. زیرا مصادیق وضعیت مزاج در قالب سلامت روحی و جسمی مشخص شده است، این امر گامی در راستای شفافیت مواد قانونی به شمار می‌رود. (کوشکی، ۱۴۰۰)

اگر وضعیت جسمی متهم به گونه‌ای باشد که باید در بیمارستان باشد و یا تحت مراقبت‌های شدید پزشکی باشد و یا دارای بیماری‌های خطرناکی از قبیل افسردگی شدید باشد، باید متناسب با این اوضاع و احوال قرار متناسب صادر شود صدور قرار در این گونه موارد نباید باعث تشدید بیماری شود.

ه) سن متهم

سن متهم نیز یکی از ضوابط و معیارهای عام تناسب تأمین است. هر چند قانونگذار در ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، قرارهای اختصاصی برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته است، اما اصولاً «جوان بودن» و یا «پیر بودن» یکی از ضوابطی است که باید در صدور قرار تأمین مورد توجه قرار بگیرد. بدیهی است توجه به این معیار باعث صدور قرارهای تأمین خفیف و سبک میشود. همان گونه که گفته شده است مقام قضایی باید با توجه به وضعیت و آثار زیان بار زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، قرار تأمین کیفری را صادر کند.

و) جنس متهم

زن یا مرد بودن علی‌الاصول نباید باعث تبعیض در فرآیند دادرسی کیفری شود. با این وصف جنسیت در پاره‌ای از امور و از جمله در صدور قرارهای تأمین کیفری می‌تواند مؤثر واقع شود. مقام قضایی تا جایی که مقدور است باید از صدور قرارهای سنگین با توجه به شرایط روحی و جسمی آنها خودداری کنند. در بیشتر موارد قرارهای صادر نسبت به زنان خفیف‌تر از مردان است.

ز) شخصیت و حیثیت متهم

قرارهای تأمین کیفری باید به گونه‌ای صادر شود تا جایی که مقدور است حیثیت و آبروی متهم آسیب نبیند. از سوی دیگر در فرآیند کیفری، شخصیت و حیثیت اشخاص و پایبندی آنها به قواعد اجتماعی و به نوعی شهرت نیک آنها میتواند به عنوان عامل مؤثری برای تناسب تأمین در نظر گرفته شود. (کوشکی، ۱۴۰۰)

۱-۳ معیارهای ناظر به بزه دیده

با این که در ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ معیاری ناظر به تضمین حقوق بزه دیده نیامده است اما با توجه به صدر ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ که یکی از اهداف صدور قرارهای تأمین کیفری را حمایت از حقوق بزه دیده از طریق جبران ضرر و زیان میداند بر این اساس این حمایت در تمامی قرارهای تأمین کیفری، جاری است. (کوشکی، ۱۴۰۰)

بر این اساس در ماده ۲۱۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر شده است که:

«مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثيقه نبايد در هر حال از خسارت وارده به بزه دیده کم تر باشد...».



به دیگر سخن در قراردادهای تأمین کیفری مالی افزون بر در نظر گرفتن جنبه ی عمومی جرم، باید به جنبه های خصوصی و جبران ضرر و زیان نیز توجه داشت.

تا به اینجای مباحث از بخش اول در مورد شرایط و تناسب صدور قرار های تأمین کیفری به توضیح مباحث فوق الذکر پرداختیم و هم اکنون در ادامه مباحث از بخش اول، به توضیح قواعد عمومی قرار های تأمین کیفری خواهیم پرداخت.

۴_1 ضوابط عام و خاص صدور قراردادهای تأمین کیفری

ابتدا به توضیح ضوابط عام برای صدور قراردادهای تأمین کیفری میپردازیم.

الف) ضوابط عام

گاه قانون گذار در دسته ای خاص از جرایم بنا بر اهمیت نوع و میزان قرار تأمین را معین می کند که از آن به نام «ضوابط خاص» یاد می شود. در پاره ای دیگر، قانون گذار معیارها و ضوابط عام و کلی را برای تناسب تأمین بیان میکند. تطبیق موضوعات و پرونده ها با ضوابط یاد شده و یافتن قرار تأمین متناسب بستگی به برداشت و تلاش مقام قضایی دارد. (کوشکی، ۱۴۰۰)

بر این اساس در مقام تبیین ضوابط عام در ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، مقرر شده است که: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات ادله و اسباب اتهام احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم سابقه متهم وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.»

به طور کلی میتوان گفت که در این ماده ۱۰ ضابطه و معیار کلی برای صدور قرار تأمین کیفری متناسب بیان شده است معیارها و ضوابط یاد شده را میتوان به سه دسته تقسیم کرد. برخی از این معیارها ناظر بر جرم و مجازات اند و برخی دیگر ناظر به متهم و دسته ای دیگر مرتبط با بزه دیده اند.

ملازمه تفهیم اتهام با صدور قرار تأمین و نظارت قضایی بدان معناست که طبق اصول آیین دادرسی کیفری، یکی از بدیهی ترین حقوق متهم، آگاهی وی از اتهام انتسابی است تا بتواند با برخورداری از آزادی های مشروع قانونی از خود دفاع کند. لذا جهت رعایت این حق، باید اتهامش را با تمامی دلایل به وی تفهیم کنند. در این صورت چنانچه اتهام و دلایل اتهام نسبت به متهم محرز باشد، مطابق ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک صدور قرار تأمین کیفری الزامی خواهد بود. ضمناً عدم اخذ تأمین در این مورد ممکن است موجب محکومیت انتظامی شود اما بدون تفهیم اتهام و یا پس از تفهیم اتهام و نبودن دلایل کافی علیه متهم، صدور قرار تأمین کیفری و جاهد قانونی ندارد. پس از تفهیم اتهام، تنها در صورتی صدور قرار تأمین الزامی است که نسبت به انتساب اتهام به متهم، دلایل کافی وجود داشته باشد.

در صورتی که اتهام های متهم متعدد باشد، تکلیف صدور قرار تأمین کیفری چگونه میباشد؟

همان گونه که از صدر ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ برداشت میشود، بازپرس باید برای هر اتهام یک قرار تأمین کیفری را صادر کند بنابراین صدور دو قرار تأمین کیفری برای یک اتهام، با اصول و ضوابط آیین دادرسی کیفری سازگاری ندارد. با این وصف در صورتی که اتهامات متهم متعدد باشد و در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد باید قراردادهای تأمین کیفری متعدد صادر کرد.

ب) ضوابط خاص

در کنار ضوابط عمومی تناسب تأمین در پاره ای از امور قانون گذار نوع قرار را در برخی از جرایم، بنابر اهمیت موضوع مشخص و تعیین کرده است. در این جا به برخی از آنها اشاره می شود:

صدور چک بلامحل ماده ۱۸ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲، مقرر می دارد که: «مرجع رسیدگی کننده جرایم مربوط به چک بلامحل از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی داگاههای عمومی و انقلاب در امور

کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ میکند» (کوشکی، ۱۴۰۰)

در خصوص این ماده چند نکته شایان یادآوری است:

۱- مقام قضایی مکلف است درباره جرایم مربوط به چک بلامحل الزاماً یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه صادر کند به دیگر سخن از میان قرارهای ده گانه یاد شده در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ قاضی تنها میتواند دو قرار کفالت و وثیقه صادر کند.

۲- برای انتخاب یکی از دو قرارهای کفالت یا وثیقه مقام قضایی باید با توجه به ضوابط عمومی تناسب تأمین مانند اهمیت جرم شدت مجازات ادله اسباب اتهام و ضرر و زیان وارد یکی از دو قرار بالا را انتخاب کند.

۱_۵ الزامی یا اختیاری بودن قرار تأمین کیفری و مدت اعتبار آن

در صدر ماده ۲۱۷ قانون یاد شده مقرر شده است که بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی یکی از قرارهای تأمین کیفری را صادر می کند. به دیگر سخن پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم دو حالت پیش می آید. یا ادله کافی علیه متهم وجود ندارد که در اینجا قاضی باید بلا قید متهم را آزاد کند و صدور قرار تأمین کیفری لازم نیست. بنابراین اگر فعل انتسابی دارای عنوان مجرمانه نباشد و یا ادله کافی وجود نداشته باشد، صدور قرار تأمین کیفری لازم نیست. اما اگر فعل انتسابی جرم بود و ادله کافی علیه متهم وجود داشت، قاضی مکلف به صدور قرار تأمین کیفری است. (کوشکی، ۱۴۰۰) نکته قابل طرح این است که اگر در صورت توجه اتهام به متهم قاضی به این نتیجه برسد که بدون صدور قرار تأمین کیفری، متهم در فرآیند دادرسی کیفری حضور پیدا می کند و این موضوع برای قاضی احراز شود آیا باز صدور قرار تأمین کیفری ضروری است؟ در پاسخ باید گفت که صدور قرار تأمین کیفری پس از وجود ادله کافی ضروری است و جزو قواعد آمره به شمار میرود و مقام قضایی حتی در صورت باور به حضور متهم در فرآیند دادرسی کیفری، بنابر شرایط پیش گفته، مکلف به صدور قرار تأمین کیفری است.

سوال: آیا در تمامی مواردی که تفهیم اتهام صورت می گیرد، هر چند پس از تفهیم اتهام معلوم شود که اتهام متوجه متهم نیست، صدور قرار تأمین کیفری الزامی است؟ پاسخ: ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ برخلاف قانون سابق، به اختلافات پایان داده و مقرر کرده است:

بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین را صادر می کند. مطابق این ماده پس از تفهیم اتهام تنها در صورتی قرار تأمین الزامی است که نسبت به انتساب اتهام به متهم دلایل کافی وجود داشته باشد به عبارت دیگر پس از آنکه قاضی اتهام را متوجه متهم دید، ملزم است قرار تأمین صادر کند.

در مورد خاتمه قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در خصوص مدت زمان اعتبار آنها باید چند حالت در نظر گرفت:

۱- اگر جریان تحقیقات و دادرسی منجر به صدور حکم براءت یا قرارهای منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب شود و یا پرونده از طریق تدابیر ارفاقی نظیر قرار تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده مختومه شود، ماده ۲۵۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ حاکمیت پیدا می کند: (کوشکی، ۱۴۰۰)

«... صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو میشود».

در خصوص این قسمت از ماده دو پرسش مطرح میشود: نخست اینکه آیا به محض صدور قرارهای یاد شده قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی لغو می شوند و یا قطعیت آنها ضروری است؟ برای پاسخ به این پرسش باید ماده ۲۶۷ قانون یاد شده را مورد توجه قرار داد. به موجب این ماده:



«در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس در خصوص عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال میشود و در موارد موقوفی یا منع تعقیب بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می کند در این صورت قرار تأمین و قرار نظارت ملغی می شود و چنانچه متهم بازداشت باشد، بلافاصله آزاد می شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین مأخوذه رفع اثر کند».

بنابراین از جمع میان ماده ۲۵۱ و ۲۶۷ این گونه برداشت میشود که پس از موافقت دادستان با قرارهای موقوفی و منع تعقیب است که این قرارها از قرارهای تأمین کیفری رفع اثر می کند. صدور یعنی این که تشریفات صدور که موافقت دادستان است نیز باید رعایت شود تا منشا اثر شود. از سوی دیگر بنابر ماده ۲۶۷ قانون یاد شده:

«هرگاه رأی برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد میشود».

اضافه شدن لفظ برائت در این ماده بدین خاطر است که حکم برائت در مرحله دادگاه مطرح می شود. شایان یادآوری است برای بهره مندی از حکم این ماده نیازی به قطعیت رأی نیست. (کوشکی، ۱۴۰۰)

دوم اینکه اگر جریان تحقیقات و دادرسی منجر به محکومیت شود براساس صدر ماده ۲۵۱، قانون گذار میان مجازات های گوناگون قائل به تفکیک شده است. بر این اساس:

«هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر شود یا پس از آن حاضر شود و عذر موجه خود را اثبات کند با شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات ها ... قرار تأمین و نظارت قضایی لغو میشود».

قانون گذار میان سه مجازات حبس، تبعید و یا اقامت اجباری و سایر مجازاتها قائل به تفکیک شده است. با شروع به مجازات های سه گانه یاد شده (حبس، تبعید، اقامت اجباری) که سالب و یا محدود کننده ی آزادی اند قرارهای تأمین و نظارت لغو می شود. حال آن که در خصوص سایر قرارها از قبیل مجازات شلاق، جزای نقدی و دیه تا اجرای کامل مجازات قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی همچنان به اعتبار خود پابرجاست.

تا اینجای مباحث به توضیح مطالب بخش اول در رابطه با قواعد عمومی و شرایط صدور قرارهای تأمین کیفری پرداختیم. در ادامه مباحث به بررسی مباحث بخش دوم خواهیم پرداخت.

بخش دوم: ویژگی های مشترک قرارهای تأمین کیفری

از مجموع مواد ذیل فصل هفتم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (مواد ۲۱۷ الی ۲۶۱) میتوان ویژگی های مشترک ذیل را برای قرارهای ده گانه تأمین کیفری برشمرد:

الف) حصری بودن

قرارهای تأمین کیفری مذکور در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک جنبه حصری دارند، نه تمثیلی. این ویژگی را میتوان از عبارت «... یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می کند ...» مندرج در قسمت صدر ماده ۲۱۷ فوق الذکر استنباط کرد. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

ب) قاضی بودن مقام صادر کننده

مقام صادر کننده قرار باید قاضی باشد. هر شخص غیر قاضی مانند مدیر دفتر، منشی و حتی، ضابطین دادگستری قانوناً حق صدور هر یک از قرارهای تأمین کیفری را ندارند. (ماده ۴۱ ق.آ.د.ک).^۱

منظور از قاضی کسی است که دارای چهار شرط ذیل به صورت اجتماع باشد:

۱- دارای پایه قضایی باشد ولی سمت قضایی وی مهم نیست پس، شامل بازپرس، دادبار، دادستان، قاضی کشیک، دادرس، رئیس شعبه و مستشار دادگاه - البته هر یک در حدود قانون - می شود. (مواد ۴۱، ۹۲، ۲۱۷، ۲۴۶، ۴۵۶ ق.آ.د.ک).

۲- قانوناً حق دخالت در آن پرونده را داشته باشد. از این شرط چنین برداشت می شود که مورد از موارد عدم صلاحیت مقام قضایی در رسیدگی به آن پرونده نباشد همچنین اگر مورد از موارد رد دادرس موضوع مواد ۴۲۱ الی ۴۲۵ ق.آ.د.ک باشد مقام قضایی تنها باید اقدام به صدور قرار امتناع از رسیدگی نماید چراکه در غیر این صورت، تخلف انتظامی محسوب می شود. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

۳- پرونده مختومه نشده باشد. چنانچه رسیدگی به یک پرونده به هر دلیلی در آن مرحله از دادرسی مختومه شود، یعنی منتهی به رأی شده باشد، از باب اقتضای قاعده فراغ دادرس آن مقام قضایی حق دخالت و اظهار نظر در آن پرونده از هر جهت از جمله درباره قرار تأمین کیفری (تبدیل، تشدید، تخفیف) را ندارد.

۴- قاضی صادر کننده قرار قانوناً باید بتواند در آن پرونده رسیدگی ماهوی نماید. با این اوصاف قضات دیوان عالی کشور قاضی هستند، اما چون فقط رسیدگی شکلی می نمایند و درباره ماهیت پرونده رأی نمی دهند، بنابراین، نمیتوانند قرار تأمین کیفری را صادر نمایند. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

نکته: امکان صدور قرار تأمین و یا تبدیل آن در مرحله اجرای حکم توسط قاضی اجرای احکام کیفری وجود دارد. (مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ ق.آ.د.ک).

ج) الزامی بودن صدور

صدور قرار تأمین کیفری برای متهم در هر پرونده برای قاضی جنبه الزامی و تکلیفی دارد نه اختیاری. این شرط به طور ضمنی از سیاق عبارات و جملات مندرج در قسمت صدر ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک برداشت میشود. البته، در صورتی که دو شرط ذیل وجود داشته باشد: (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵) ۱- تحقیقات مقدماتی پایان یافته باشد ۲- دلایل کافی دال بر توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد. بنابراین در فرض اعتقاد مقام قضایی به بی گناهی متهم، صدور قرار تأمین کیفری بیهوده خواهد بود. این دو شرط مزبور را می توان از دو عبارت «... پس از تحقیق» و «در صورت وجود دلایل کافی» مندرج در قسمت صدر ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک برداشت نمود.

ج) مانع الجمع بودن

مقام قضایی نمی تواند در مورد یک پرونده نسبت به متهم به طور همزمان بیش از یک قرار تأمین کیفری صادر نماید، این ویژگی را میتوان از صراحت عبارت، «بازپرس...»، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می کند...» مندرج در قسمت صدر ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک استنباط کرد. البته، انتخاب هر یک از این قرارها با مقام قضایی است که وظیفه رسیدگی و تحقیق در آن پرونده را بر عهده دارد.

^۱ - ماده ۴۱ ق.آ.د.ک «ظابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی توانند اختیار اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقامات قضایی مطابق مقررات این قانون اقدام میشود».



پرسش: چنانچه در یک پرونده ای علیه متهم اتهامات متعدد مثلاً جعل و کلاهبرداری یا سرقت و خیانت در امانت مطرح باشد. آیا مقام قضایی در صورت پایان یافتن تحقیقات و اعتقاد بر مجرمیت متهم نسبت به کلیه اتهامات باید نسبت به هر یک از اتهامات قرار تأمین کیفری جداگانه صادر نماید؟

پاسخ: از مفاد قسمت صدر ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک میتوان استنباط کرد که در چنین فرضی، مقام قضایی برای اتهامات متعدد علیه متهم باید قرار تأمین واحد صادر نماید و نمی تواند اقدام به صدور قرار تأمین کیفری جداگانه برای متهم به خاطر اتهامات متعدداش نماید، مگر اینکه رسیدگی به جرایم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد (مثلاً یکی در صلاحیت دادگاه انقلاب مانند قاچاق مواد مخدر و دیگری در صلاحیت دادگاه کیفری دو مانند خیانت در امانت) که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه قرار تأمین متناسب و مستقل صادر میشود (قسمت اخیر ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک) زیرا در فرض اخیر پرونده های مستقل و جداگانه ای علیه متهم دادگاه جداگانه تشکیل میشود از این رو منطقی این است که قرار تأمین کیفری جداگانه علیه متهم صادر شود. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

د) تفهیم اتهام قبل از صدور

صدور هر یک از قرارهای تأمین کیفری باید بعد از تفهیم اتهام یعنی فهماندن نوع اتهام و دلایل آن به متهم انجام پذیرد. به عنوان مثال مقام قضایی باید به شخص «الف» بگوید که شما متهم به جرم سرقت هستید و دلایل آن هم شهادت شهود و قرائن و امارات می باشد. بنابراین، قبل از تفهیم اتهام، امکان صدور قرار تأمین کیفری وجود ندارد (قسمت صدر ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک). فلسفه ضرورت تفهیم اتهام به متهم این است که چه بسا ممکن است متهم در اظهارات خود، مطالبی را بیان کند که در بی گناهی وی و رد اتهام وارده و دلایل آن تأثیرگذار بوده و سپس صدور قرار تأمین کیفری از سوی مقام قضایی منتفی شود.

پرسش: با توجه به ضرورت تفهیم اتهام قبل از صدور قرار تأمین کیفری، آیا قانوناً امکان صدور قرار مزبور به طور غیابی، درباره متهمی که متواری است یا هنوز احضار یا جلب نشده، وجود دارد؟ (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

پاسخ: اگرچه قانوناً امکان صدور قرار مجرمیت غیابی علیه متهم، در صورت عدم حضور وی در جلسه دادرسی به رغم احضار وی به شیوه مقتضی قانونی و حتی بدون اخذ آخرین دفاع و در صورت پایان یافتن تحقیقات و وجود دلایل کافی دال بر انتساب جرم به متهم وجود دارد (مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.آ.د.ک) ولی لازمه ی صدور قرارهای تأمین کیفری ضرورت تحقق سه شرط ذیل به ترتیب ۱- پایان یافتن تحقیقات ۲- وجود دلایل کافی علیه متهم ۳- تفهیم اتهام به متهم میباشد. از شرط اخیرالذکر یعنی ضرورت تفهیم اتهام قبل از صدور قرار تأمین کیفری به طور ضمنی چنین بر می آید که امکان صدور قرار تأمین به طور غیابی قانوناً منتفی و بیهوده است. تأمل در مفهوم صریح هر یک از قرارهای تأمین کیفری نیز دلالت بر تأیید این برداشت می نماید. در چنین فرضی یعنی در صورت عدم حضور متهم در مرجع قضایی و عدم دسترسی به وی به رغم احضار وی و عدم ارائه عذر موجه مقام قضایی در صورت وجود دلایل کافی دال بر انتساب اتهام به متهم بدون صدور قرار تأمین کیفری، به طور غیابی اقدام به صدور قرار مجرمیت می نماید. بنابراین صدور قرار تأمین منوط به حضور متهم است.

۱- البته امکان صدور قرار عدم خروج از کشور که یک نوع قرار تأمین کیفری تکمیلی علاوه بر قرارهای ده گانه اصلی است، بدون حضور متهم نزد مرجع قضایی و به طور غیابی وجود دارد (قسمت صدر ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک).



ه) ابلاغ به متهم

قرار تأمین کیفری صادره باید فوراً به متهم ابلاغ شود (ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ک). منظور از این ابلاغ، ابلاغ واقعی است. این برداشت از ضرورت شرط تفهیم اتهام به متهم قبل از صدور قرار تأمین و عدم امکان صدور غیابی قرار مزبور و به ویژه از عبارت «... و تصویر آن به وی تحویل شود...» در ماده فوق الذکر استنتاج می‌گردد. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵) بنابراین، قرار مزبور باید عملاً به رویت و تسلیم متهم درآید، یعنی امضاء از وی گرفته شود و در صورت رویت و آگاهی متهم از قرار مزبور و امتناع وی از تحویل و زدن امضاء، متصدی آن باید مراتب مزبور را بر روی اوراق مربوط در پرونده انعکاس دهد که در اینصورت به منزله‌ی ابلاغ واقعی قرار و تحویل تصویر آن به متهم تلقی می‌شود.

و) رعایت اصل تناسب

این اصل را که میتوان تحت عنوان اصل فردی کردن قرار تأمین کیفری نیز نامید؛ عبارت از هر کدام از قرارهای تأمین کیفری باید با اهمیت جرم، شدت مجازات، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار متهم و از بین بردن آثار جرم، سابقه‌ی متهم و وضعیت مزاج، سن و حیثیت او و نیز خسارات وارده به بزه دیده متناسب باشد. از مواد ۲۱۸، ۲۱۹ و به ویژه ۲۵۰ قانون آ.د.ک نیز صراحتاً چنین بر می‌آید که رعایت اصل تناسب در صدور قرار تأمین کیفری توسط مقام قضایی ضروری است. البته، لازمه‌ی رعایت دقیق و کامل این اصل، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت از سوی مقام قضایی مربوطه است. ضمانت اجرای اخذ تأمین نامتناسب از متهم، محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا برای آن قاضی است (تبصره ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک).

ز) قابل تشدید یا تخفیف بودن

قانونگذار به منظور رعایت هر چه بهتر اصل تناسب در قرار به مقام صادر کننده‌ی آن اجازه داده است تا در موارد لزوم و با رعایت مقررات مربوط به قرارها طبق قانون در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی قرار تأمین صادره را تشدید یا تخفیف دهد. تشدید یا تخفیف قرار تأمین به دو شکل الف - تبدیل نوع قرار یا ب - تغییر مبلغ آن انجام می‌گیرد (ماده ۲۴۳ ق.آ.د.ک و تبصره آن). بر اساس قانون مقام قضایی ذیصلاح برای تشدید یا تخفیف قرار تأمین حسب مورد میتواند بازپرس (مواد ۲۴۱ تا ۲۴۴ ق.آ.د.ک) قاضی دادگاه (اعم از بدوی و تجدیدنظر و اعم از اینکه طبق قانون تحقیقات مقدماتی آن پرونده به طور مستقیم به وی ارجاع شده باشد و یا اینکه پرونده پس از صدور کیفرخواست و یا حکم به آنجا ارسال شود) (ماده ۲۴۴ ق.آ.د.ک و تبصره ۲ آن و ماده ۴۵۶ ق.آ.د.ک) و دادستان و دادیاران در مواردی که (جرایم غیر موضوع ماده ۳۰۲) به موجب (ماده ۹۲ ق.آ.د.ک)، اختیار انجام تحقیقات مقدماتی را دارند. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

بر اساس قانون، مقام قضایی ذیصلاح می‌تواند رأساً مبادرت به تشدید یا تخفیف قرار تأمین نماید (ماده ۲۴۳ ق.آ.د.ک) و یا اینکه دادستان، شاکی و یا متهم (مواد ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴ و ۴۵۶ ق.آ.د.ک) می‌توانند درخواست مزبور را از آن مقام قضایی بنمایند.

نکته: تخفیف بازداشت موقت و یا قرار منتهی به بازداشت در صورت انقضای مهلت قانونی آن برای مقام قضایی جنبه تکلیفی دارد (ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک).

نکته: در صورت تشدید تأمین از نوع تبدیل سایر قرارها به قرار بازداشت موقت موافقت دادستان لازم است و در صورت اختلاف، حل آن با دادگاه صالح است و در بقیه موارد لازم نیست.



ح) اصل بر غیر قابل اعتراض و یا تجدیدنظر بودن

اصل بر غیر قابل اعتراض و تجدیدنظر بودن قرارهای تأمین کیفری ده گانه اصلی مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری است مگر در موارد ذیل که عبارتند از:

- قرار بازداشت موقت و ابقاء آن (مواد ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۶ و بند «ب» ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک)
- اصل قرار وثیقه و یا کفالت که منتهی به بازداشت متهم شود یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه از سوی بازپرس (ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک)
- قرار تشدید تأمین مثلاً تبدیل قرار کفالت به وثیقه به تقاضای متهم (بند «ب» ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک) و یا تبدیل قرار به لحاظ امتناع متهم از پذیرش آن (تبصره ۱ ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک).

البته، قرارهای تکمیلی عدم خروج از کشور و نظارت قضایی نیز قابل اعتراض و یا تجدیدنظر خواهی اند (تبصره ۲ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک).
نکته: در خصوص مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به قرار وثیقه و یا کفالتی که منتهی به بازداشت متهم شود یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه از سوی بازپرس در قانون (ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک) ابهامی وجود دارد به اعتقاد برخی «اعتراض باید نزد دادستان ارسال شود و چنانچه دادستان عقیده بر تخفیف تأمین یا پذیرش کفیل یا وثیقه دارد، بازپرس مکلف به تبعیت از نظر دادستان است و چنانچه دادستان اعتراض متهم را وارد نداند، پرونده جهت رسیدگی حسب مورد به دادگاه صالح ارسال گردد» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳) اما به نظر میرسد با توجه به مواد ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۶۹ و ۲۷۱ ق.آ.د.ک در هر صورت - چه دادستان با نظر بازپرس مخالف باشد و چه موافق باشد - مرجع رسیدگی به اعتراض حسب مورد دادگاه صالح است.

ت) ملغی الاثر شدن

قرار تأمین کیفری در موارد ذیل ملغی الاثر میشود:

- ۱- مختومه شدن پرونده: اگر پرونده بنا به یکی از علت‌های ذیل مختومه گردد، قرار تأمین کیفری نیز ملغی الاثر می‌شود. موجبات مختومه شدن پرونده به موجب قانون عبارتند از: (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)
- صدور قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و یا اجرای مجازات، تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات (مواد ۲۵۱، ۳۷۶، بند «پ» ماده ۳۸۹ و ۴۰۴ ق.آ.د.ک).

پرسش: آیا رفع اثر نمودن از قرارهای تأمین کیفری منوط به قطعیت یافتن قرارهای منع و موقوفی تعقیب و مانند اینها است؟

پاسخ: به نظر میرسد که رفع اثر نمودن از قرارهای تأمین کیفری منوط به قطعیت یافتن قرارهای منع و موقوفی تعقیب و مانند اینها نیست. البته، در صورتی که این قرارها از سوی مقامات قضایی دادسرا (بازپرس و یا دادیار) صادر شده باشد؛ لغو قرارهای تأمین کیفری

^۱ - مستنبط از ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک قرار کفالت و یا وثیقه فی نفسه قابل اعتراض نیست مگر اینکه این قرارها به دلیل عجز متهم از معرفی کفیل یا سپردن وثیقه منتهی به بازداشت وی شده باشد در این صورت متهم میتواند نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت (مثلاً، بازپرس برای متهم قرار وثیقه صادر کرد ولی متهم اعتقاد به قرار کفالت دارد) یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند. البته، به اعتقاد نگارنده، تفکیک میان قابل اعتراض بودن قرار کفالت یا وثیقه فقط در فرض بازداشت متهم و غیر قابل اعتراض بودن این قرارها در فرض عدم بازداشت متهم (مستنبط از ماده ۲۲۶) فاقد توجیه حقوقی و غیر منطقی است.

^۲ - البته، وفق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقام قضایی در صورت ضرورت میتواند با اخذ تأمین متناسب از متهم تعقیب وی را معلق سازد بنابراین قرار صرف صدور تعلیق تعقیب باعث لغو فک قرار تأمین نمی‌شود بلکه مقام قضایی میتواند برای مدت تعلیق قرار تأمین متناسب از اخذ نماید. ضمناً، در صورت انقضای مدت تعلیق و رعایت متهم از دستورات دادگاه و عدم ارتکاب جرم قرار تأمین اخذ شده از متهم به کلی لغو می‌شود همین حالت را میتوان در مورد تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم و قرار بایگانی کردن پرونده قابل تصور دانست (مستنداً به تبصره ۲ ماده ۴۱ ق.م. ۱۳۹۲ یا ماده ۸۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲).



منوط به موافقت دادستان و یا جانشین وی با قرارهای منع یا موقوفی تعقیب و مانند اینها است مگر اینکه خود دادستان قرارهای مزبور را صادر نماید. این ادعا را میتوان از مفاد قانون استنباط کرد (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵)

زیرا اولاً؛ مفاد قسمت اخیر ماده ۲۶۷، قسمت صدر ماده ۲۴۱ و نیز مواد ۳۷۶ ق.آ.د.ک به صراحت دلالت بر تأیید ادعای فوق مینماید ثانیاً؛ بر اساس مواد ۲۶۵ و ۲۶۷ ق.آ.د.ک، توافق دو عقیده در مواقع صدور قرار منع و یا موقوفی تعقیب ضروری است. ثالثاً؛ قانونگذار در ماده ۵۱ قانون مزبور لغو قرار تأمین کیفری را منوط به قطعیت یافتن قرارهای منع یا موقوفی تعقیب و مانند اینها نموده است. بنابراین، چنانچه قرار تأمین صادره منجر به بازداشت متهم شده باشد، با موافقت دادستان متهم فوراً باید آزاد شود و نباید منتظر قطعیت یافتن قرار منع تعقیب و غیره شد، چرا که قرار منع یا موقوفی تعقیب قابل اعتراض و یا تجدیدنظرخواهی از سوی شاکی می باشد و ممکن است بنا به دلایلی برای ابلغ این قرارها به شاکی مدت زمان طولانی سپری شود و یا شاکی اعتراض ننماید و یا اینکه رسیدگی به اعتراض و یا تجدیدنظر خواهی از آن در مرجع صالح طولانی شود، از این رو رفع اثر نمودن از قرارهای مزبور به ویژه قرار بازداشت موقت با اصل برائت (اصل ۳۷ ق.ا.ج.ا.) منافات دارد نظریه های مشورتی شماره ۷/۸۸۴۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۳ و ۴۴۷۲۷/۷ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۴ و نیز دیدگاه برخی از حقوقدانان محترم (مهاجرى، ۱۳۹۱)، دلالت بر این امر دارد.

نتیجه گیری:

فراهم شدن مقدمات یک دادرسی منصفانه مستلزم این است که یک سری ابزار و تمهیداتی وجود داشته باشد که از طریق آنها بتوان در موارد لزوم به متهم دسترسی داشت و اختلالی در روند دادرسی ایجاد نگردد. این تمهیدات همان قرارهای تأمین کیفری می باشند.

تأمین کیفری قیدی است محدود کننده آزادی که مطابق ترتیبات قانونی و برای امکان دسترسی به متهم، درباره وی اعمال می شود. أخذ تأمین اولین اقدام رسمی است که پس از بازجویی از جانب مقام قضایی صورت می گیرد مطابق ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن و یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام بدوی یکی از قرارهای تأمین کیفری را صادر نماید

در این پژوهش مطالب به دو بخش تقسیم شده است که بخش اول به قواعد عمومی و شرایط صدور قرارهای تأمین کیفری پرداختیم که شامل مطالبی در مورد شرایط صدور و تناسب قرارهای تأمین کیفری بوده که به توضیح معیارهای اصل تناسب ناظر بر جرم و مجازات و بزه دیده و متهم پرداختیم و بیان شد که هنگام صدور قرارهای تأمین کیفری باید به این اصول توجه شود تا تأمین متناسبی صادر شود. ضمناً بیان شد که صدور قرار تأمین هنگامی که ادله ای وجود داشته باشد که منتسب به متهم باشد، از جانب قاضی تحقیق الزامی می باشد و اختیاری نبوده و در مورد مدت اعتبار و خاتمه ی قرارهای تأمین کیفری بیان شد که اگر جریان تحقیقات و دادرسی منجر به صدور حکم برائت یا قرارهای منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب شود و یا پرونده از طریق تدابیر ارفاقی نظیر قرار تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده مختومه شود، ماده ۲۵۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ حاکمیت پیدا می کند:

«... صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو میشود.»

۱ - ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک: «هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت مینماید.»



در بخش دوم به تفسیر و تحلیل ویژگی های مشترک تمامی قراردادهای تامین کیفی احصا شده در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک پرداختیم که شامل مواردی اعم از قاضی بودن مقام صادر کننده و الزامی بودن صدور و مانع الجمع بودن و تفهیم اتهام قبل از صدور و رعایت اصل تناسب و دیگر موارد پرداختیم.

منابع:

الف) کتب

- ۱) الهی منش، محمدرضا، ۱۳۹۱، قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد
- ۲) حاجی تبار فیروزجایی، حسن، ۱۳۹۵، آیین دادرسی کیفی کاربردی «قرارها»، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان
- ۳) خالقی، علی، ۱۳۹۷، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات شهردانش
- ۴) خالقی، علی، ۱۳۹۶، آیین دادرسی کیفی، جلد اول، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات شهردانش
- ۵) کوشکی، غلامحسن، ۱۴۰۰، آیین دادرسی کیفی، جلد نخست، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۶) گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل
- ۷) مصدق، محمد، ۱۳۹۹، قراردادهای نهایی و تامین کیفی و نظارت قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
- ۸) مهاجری، علی، ۱۳۹۱، آیین رسیدگی در دادسرا، چاپ نهم، تهران، انتشارات فکرسازان

ب) مقالات

- ۹) شیخی، زهرا، تناسب قراردادهای تامین کیفی و حفظ حقوق شهروندی متهم در قانون آیین دادرسی کیفی ۱۳۹۲، مجله نشریه فقه و حقوق معاصر، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۹۹، ۹۶ تا ۱۲۰
- ۱۰) ناجی زواره، مرتضی، تناسب در قراردادهای تامین کیفی، مجله نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره ۸ و ۹ و ۱۰، ۱۳۸۹، ۲۲۵ تا ۲۵۹
- ۱۱) نصرتی، کیانوش، قرار تامین کیفی در حقوق داخلی، مجله نشریه قانون یار، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۷، ۲۲۷ تا ۲۴۳